

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۰
doi 10.22034/nf.2023.180990

La grammaire, qui sait régenter jusqu'aux rois.
دستور زبان، که می‌داند چگونه حکم براند حتی بر پادشاهان. (مولیر)

دستورهای نظریه‌ی بنیاد زبان فارسی

محمدرضا رضوی* (استادیار فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه واژه‌گزینی، تهران، ایران)

چکیده: از تلوین دستور سخن (۱۲۸۹ق) به دست میرزا حبیب اصفهانی، که عموماً نخستین دستور منظم و نوین زبان فارسی انگاشته می‌شود، بیش از ۱۵۰ سال می‌گذرد. از آن هنگام تا کنون، دستورهای گوناگونی برای زبان فارسی تلوین شده است. دستورها غالباً به انواعی تقسیم و نام‌گذاری شده‌اند که از آن جمله می‌توان «دستور سنتی»، «دستور تجویزی»، «دستور توصیفی»، «دستور جامع»، «دستور آموزشی» و «دستور علمی» را برشمرد. در این مقاله، طبقه‌بندی تازه‌ای را از انواع دستور مطرح می‌کنیم. در این طبقه‌بندی دستورها بر مبنای معیارهای زبان‌شناختی و نظریه‌زبانی به دو طبقه عمده تقسیم شده‌اند: دستور زبان‌شناختی و دستور غیرزبان‌شناختی. طبقه زبان‌شناختی خود شامل دستورهای غیرنظریه‌بنیاد و دستورهای نظریه‌بنیاد است. سپس ویژگی‌های دستورهای این طبقات و زیرطبقات آنها معرفی شده است. مختصات هفت دستور با این معیارها ارزیابی شده‌اند: نگرش دستور به تعریف زبان و اجزایش، تعریف از خود دستور و سطوح آن، فرض‌ها، غایات و روش‌شناسی دستور، میزان توصیف‌گرایی دستور، سطوح کارایی، بهره‌گیری از مفاهیم بنیادین زبان‌شناسی و داشتن نظریه دستور. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که دستورهای نظریه‌بنیاد نسبت به دستورهای پیشین از توصیف‌گرایی و تبیین‌گری بیشتری برخوردارند. نگاهی به سیر تحولات مفاهیم و نوآوری‌های زبان‌شناسی نظری و انطباق آن با پیدایش انواع دستور در زبان فارسی گواه این اندیشه است که دگرگونی‌های نظری عالم زبان‌شناسی، در گذر زمان، آشکارا در حوزه تلوین دستور اثرگذار بوده و به شکل‌گیری گونه‌های گفتمان علمی و تخصصی در حوزه دستور انجامیده است.^۱

* razavi_mr@yahoo.com

۱. از استاد ارجمندم، جناب آقای دکتر دبیرمقدم، سپاسگزارم که بی‌لطف ایشان کار به انجام نمی‌رسید. بیش از همه، از همکار فرهیخته، خانم دکتر مریم مسگرخویی، برای مهر و یاری بی‌دریغشان در روند تدوین این مقاله قدردانی می‌کنم. از گفت‌وگو با استادان گرامی، آقای دکتر حسین سامعی، دکتر علاءالدین طباطبایی و دکتر امید طبیب‌زاده و آقای سعید لیان، درباره جنبه‌هایی از دستور بهره‌مند شدم. از همه این عزیزان صمیمانه تشکر می‌کنم.

کلیدواژه‌ها: دستور نظریه‌بنیاد، دستور زبان‌شناختی، دستور سنتی، دستورنویسی زبان فارسی.

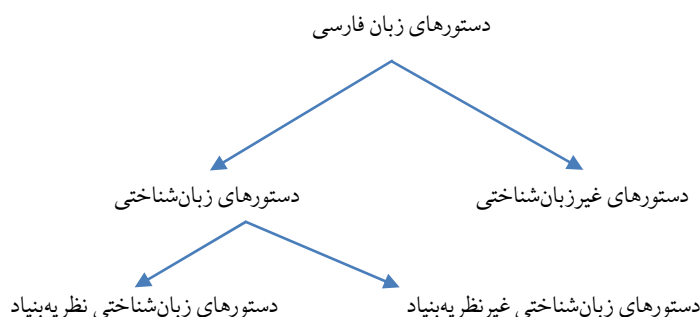
۱. مقدمه

در نوشتگان زبان‌شناسی، در حوزه دستور و دستورنویسی، عمدتاً اصطلاحات متنوعی برای اشاره به انواع دستور به کار می‌رود، از جمله «دستور تجویزی»، «دستور توصیفی»، «دستور جامع»، «دستور آموزشی»، «دستور درونی»، «دستور جهانی» و بسیاری دیگر. دو اصطلاح «دستور سنتی» و «دستور زبان‌شناختی» نیز در میان اصطلاحات پرکاربرد این حوزه‌اند که به تقسیم‌بندی دوتایی اشاره دارند و دستورها را به دو گروه عمده طبقه‌بندی می‌کنند: «دستورهای سنتی» با اصول و چارچوب‌هایی متفاوت با «دستورهای زبان‌شناختی». این طبقه‌بندی عمدتاً با توجه به ظهور علم زبان‌شناسی و پدیدار شدن مطالعات و دستورهای مبتنی بر دانش نوین زبان‌شناسی، که اصول و چارچوبی گاه کاملاً مغایر با دستورهای پیشین داشتند، جلوه یافت. این دگرگونی عظیمی بود که کمتر دستورنویسی می‌توانست نسبت به آن بی‌اعتنا باشد. سنت دستورنویسی به سمت یافته‌های زبان‌شناسی گرایش یافت و دستورهای زبان‌شناختی پدید آمدند. در مقام مقایسه با این دستورها بود که کتاب‌های قدیم‌تر، که با روش‌های پیشین به قواعد صرف و نحو زبان می‌پرداختند و بدون توجه به یافته‌های نوین، از همان الگوی گذشته در دستورنویسی پیروی می‌کردند، دستور سنتی لقب گرفتند.

در میانه سده بیستم میلادی، در سال‌های میانی دهه ۱۹۵۰ (مطابق با میانه دهه ۱۳۳۰ شمسی) با دگرگونی پارادایمی در عالم زبان‌شناسی، بررسی‌های زبان‌شناختی جنبه نظریه‌پردازانه چشمگیرتری یافت. مفهوم «نظریه زبان» مطرح شد. مطالعات زبان‌شناختی دیگر گردآوری و توصیف و طبقه‌بندی داده‌های زبانی تلقی نمی‌شد. در پارادایم تازه، برای قوای زبانی، که امری ذهنی بود، نظریه‌پردازی شد و تلاش شد نظریه‌هایی همسان نظریه‌های سایر علوم عرضه شود؛ نظریاتی دقیق، ابطال‌پذیر، آزمون‌پذیر و احیاناً مرتبط با یافته‌های سایر حوزه‌های علمی، نظیر روان‌شناسی و علوم شناختی. این دگرگونی دیدگاه سبب شد که دستور زبان دیگر صرفاً آن جنبه توصیفی مطلق از زبان انگاشته نشود. جنبه ذهنی دستور زبان و اینکه انگاره‌ای نظری برای آن ارائه شود، اهمیت یافت. انواع نظریه‌های صوری و دستورهای زایشی در جریان تکوین این پارادایم مطرح شدند. به دنبال این جریان، که از آن تحت عنوان زبان‌شناسی صورت‌گرا یاد می‌کنند، دیگر پژوهندگان که علی‌الاصول کلیت بررسی نظریه‌بنیاد زبان و دستور را پذیرفته بودند، اما رویکردی متفاوت با صورت‌گرایی داشتند، به میدان آمدند و هریک انگاره نظری خود را در چارچوبی متفاوت بنا نهادند. دستورهای شناختی، نقش‌گرا و رده‌شناختی از جمله دستورهایی هستند که در بیش از نیم قرن اخیر ظهور کرده‌اند و در داشتن نگاه نظریه‌مدار به مطالعه زبان مشترک‌اند.

۲. مفروضات و پرسش‌ها

دوگانه دستور سنتی تجویزی و دستور زبان‌شناختی توصیفی نزد پژوهشگران مورد پذیرش قرار گرفته و به کار رفته است. فرض ما این است که می‌توان دسته‌بندی‌ای از دستورها به این شکل به دست داد: الف) دستورهای غیرزبان‌شناختی (=دستورهای سنتی)؛ ب) دستورهای زبان‌شناختی (=دستورهای زبان‌شناختی توصیفی) که دسته اخیر، خود به دو دسته تقسیم می‌شود: غیرنظریه‌بنیاد و نظریه‌بنیاد.



نمودار ۱- طبقه‌بندی انواع دستور در زبان فارسی

همچنین، می‌توان این طبقه‌بندی را بر معیارهایی برگرفته از مفاهیم زبان‌شناسی نوین پی افکند؛ اینکه نگاه آن دستور به زبان چگونه است؟ فرض‌ها، اهداف، یا روش‌شناسی آن دستور چیست؟ آیا تنها به توصیف می‌پردازد؟ آیا به دنبال تبیین^۲ نیز هست؟ چه نوع تبیینی را مدّ نظر دارد؟ در بخش‌های آتی، پس از طرح مفاهیم مرتبط با ارزیابی دستورها، معیارهای زبان‌شناختی مان را در بررسی دستورهایی که انتخاب کرده‌ایم، به کار می‌گیریم. معیارها پاسخ‌هایی برای این پرسش‌ها فراهم می‌آورند:

- ۱) ویژگی‌های دستورهای غیرزبان‌شناختی فارسی کدام است؟
- ۲) ویژگی‌های دستورهای زبان‌شناختی غیرنظریه‌بنیاد فارسی کدام است؟
- ۳) تفاوت‌های عمده یک دستور زبان‌شناختی غیرنظریه‌بنیاد در مقایسه با یک دستور غیرزبان‌شناختی زبان فارسی در چیست؟
- ۴) ویژگی‌های دستورهای نظریه‌بنیاد کدام است؟
- ۵) تفاوت‌های عمده یک دستور نظریه‌بنیاد در مقایسه با یک دستور غیرنظریه‌بنیاد زبان فارسی در چیست؟

۶) مقایسه این سه نوع دستور چه ویژگی‌های زبان‌شناختی دیگری را آشکار می‌سازد؟

۳. مفاهیم و اصطلاحات

در این بخش به معرفی پاره‌ای از مفاهیمی می‌پردازیم که در زبان‌شناسی نوین در باب مسائل نظری زبان و دستور مطرح شده‌اند. بر پایه این مفاهیم، می‌توان معیارهایی برای سنجش و مقایسه تخصصی‌تر توان دستورها پیش‌بینی کرد.

۳-۱. دستور: فرض‌ها، غایات، روش‌ها

نظریه‌های دستور را براساس سه شاخصه فرض‌ها، غایات و روش‌شناسی توصیف کرده‌اند (Evans & Green, p. 742).

فرض‌ها: نگرش فلسفی نظریه به ماهیت رابطه سه‌گانه زبان، اندیشه و جهان (ibid).

غایات: آنچه که سرانجام یک نظریه دستور در پی ایجاد، توصیف و تبیین آن است (ibid).

روش‌شناسی: نظریه دستور از چه شیوه‌هایی (گردآوری داده‌ها، صوری‌سازی، شواهد در زمانی و جز آن) برای دستیابی به اهدافش کمک می‌گیرد (ibid).

۳-۲. توصیف

یکی از نخستین اهداف زبان‌شناسی توصیف است. توصیف شرحی جامع، نظام‌مند، عینی و دقیق از ساختمان و کاربرد زبان در یک زمان مشخص است (Crystal, p. 139). توصیف، به بیان ساده، به «چگونگی» زبان و دستور می‌پردازد نه به «چرایی» آن. زبان‌شناسی توصیفی به توضیح و شرح واقعیات زبان آن‌گونه که هستند و به کار برده می‌شوند می‌پردازد. جامعیت، نظام‌مندی، عینیت و دقت توصیف‌های این دیدگاه، آن را از دیدگاه تجویزی، که در دستورهای سنتی به چشم می‌خورد، متمایز می‌کند. دیدگاه تجویزی زبان را آن‌گونه که باید باشد و در چشم‌انداز وضعیتی آرمانی و فرضی در نظر می‌گیرد. زبان‌شناسی توصیفی از نگرشی هم‌زمانی پیروی می‌کند و زبان را در یک زمان مشخص توصیف می‌کند. این نگرش آن را از زبان‌شناسی تاریخی، که به مطالعه دگرگونی‌های تاریخی یا در زمانی زبان می‌پردازد، متمایز می‌سازد.

۳-۳. تبیین

تبیین در زبان‌شناسی معاصر جایگاه ویژه‌ای دارد. اکنون نظریه‌های زبان‌شناسی و دستورها غالباً به دنبال ارائه تبیین برای مسائل زبانی هستند و تقریباً هیچ اثری را در زبان‌شناسی نمی‌توان یافت که

در آن تلاش در تبیین مسئله‌ای نشده باشد یا درباره‌ی درستی یا نادرستی سایر تبیین‌ها اظهارنظر نشده باشد (Newmeyer, p. 96؛ راسخ‌مهند، ص ۲۹).

تبیین، به بیان ساده، توضیحی است که درباره‌ی «چرایی» یک مسئله ارائه داده می‌شود. اینکه چرا یک پدیده چنین است که هست. نظریه‌های زبان‌شناسی می‌کوشند توضیح دهند که چرا زبان‌ها چنین ساختمانی دارند یا دلایل وجود یک ساخت دستوری در زبان، مانند ساخت موصولی یا ساخت مجهول، چیست. زبان‌شناسان در سطح کلان با نگرش‌ها و رویکردهای مختلفی به زبان و ساختمان آن می‌نگرند. بنابراین، نوع تبیین‌ها از یک نظریه به نظریه دیگر ممکن است تفاوت‌های اساسی داشته باشد. به‌طورکلی، می‌توان گفت از میان چهار نگرش مسلط در زبان‌شناسی معاصر، رویکردهای نقش‌گرا تبیین‌های نقشی ارائه می‌کنند و ساخت‌ها را از نگاه ارتباطی توضیح می‌دهند. رویکردهای شناخت‌گرا می‌کوشند تبیین‌های شناختی و مبتنی بر توانایی‌های عمومی ذهن در باب شناخت به دست دهند. رویکردهای صورت‌گرا عمدتاً تلاش در ارائه تبیینی براساس صورت زبان و مبتنی بر یک نظریه دستوری دارند. سرانجام، رویکردهای رده‌شناختی که به گفته‌ی دبیرمقدم برآند تا گوناگونی‌های ساختاری قاعده‌مند زبان‌ها را کشف کنند (دبیرمقدم، ص ۶۶). این رویکردها تبیین‌های متنوعی از نوع تبیین‌های ساختاری، نقشی و ارتباطی، شناختی، تاریخی، کنشی و پردازشی ارائه می‌کنند.

۳-۴. نظریه زبانی

نظریه زبانی از مفاهیم متأخر زبان‌شناسی معاصر است. تا حدود میانه سده بیستم میلادی نگرش رایج زبان‌شناسان نسبت به روش علمی، گردآوری منظم داده‌ها و تنظیم و ترتیب آن بود. با ظهور دستور گشتاری در نیمه دهه پنجاه میلادی مبحث «نظریه» اهمیت خاص پیدا کرد و این با مسائل تبیین و «کارایی»^۳ همراه شد و، درمجموع، نظریه زبانی به مراتب بیش از گذشته در شبکه فراگیر علوم پذیرفته شد (سورن، ص ۱۰۵-۱۰۶). نظریه زبانی، به یک تعبیر، نظریه‌ای است برای قوه نطق یا دانش زبانی زیستی و ذاتی انسان، که در اینجا برابر با دستور همگانی بشر انگاشته می‌شود (دبیرمقدم، ص ۶-۸). در دیدگاه متأخر، هدف اصلی و نهایی زبان‌شناسی نظری دستیابی به این دانش (همان، ص ۶) و تدوین نظریه زبانی است (همان، ص ۱۸۷-۱۸۸). معیارهای نظریه زبانی تعیین می‌کند که یک دستور نسبت به سایر دستورهای محتمل برای یک زبان مزیتی دارد یا خیر. اگر دستوری با ملاک‌های نظریه زبانی منطبق باشد، به اصطلاح از کارایی تبیینی نیز برخوردار خواهد بود (همان، ص ۱۸۷).

پیش از ادامه بحث، لازم است به نکته‌ای اصطلاح‌شناختی درباره تمایز «نظریه‌زبانی» از «چارچوب نظری» اشاره کنیم:

نظریه‌زبانی: توصیفی است از نظام اصول، شروط و قواعدی که عناصر و ویژگی‌های دانش زبان را تشکیل می‌دهند. طبعاً چنین توصیفی را یک زبان‌شناس با تکیه بر یک نظریه مستدل به دست می‌دهد. تحلیل‌هایی از این نوع سرشت نظریه‌بنیاد دارند و قابل بیان از یک نظریه به نظریه‌ای دیگر نیستند. دستورهای زبان‌شناختی مبتنی بر یک نظریه (در طبقه‌بندی ما نظریه‌بنیاد) همگی برپایه مفهوم نظریه‌زبانی تدوین شده‌اند.

چارچوب نظری: فرازبانی است که از طریق آن یک دستور به بیان قواعد و توصیف‌هایش می‌پردازد. چارچوب نظری یک نظریه‌زبانی نیست. تحلیل‌هایی از این نوع به چارچوب نظری دستوری دیگر قابل بیان هستند. از این حیث، همه دستورها، اعم از سنتی و توصیفی (در طبقه‌بندی ما غیرنظریه‌بنیاد) چارچوب نظری دارند.

۳-۵. کارایی

مفهوم کارایی در نظریه‌زبانی، برای ارزیابی سطح موفقیت یک دستور در مقایسه با سایر دستورها، مطرح می‌شود. سه سطح کارایی با میزان انتزاع و عمق مختلف برشمرده شده است: کارایی مشاهده‌ای^۴ کارایی توصیفی^۵ و کارایی تبیینی^۶ (Chomsky, p. 24-72؛ دبیرمقدم، ص ۱۸۵-۱۹۰).

کارایی مشاهده‌ای. دستوری که کارایی مشاهده‌ای دارد، باید بتواند داده‌های زبانی پیکره را تشخیص دهد و جمله‌های دستوری از غیردستوری را تمیز دهد (دبیرمقدم، ص ۱۸۶).

کارایی توصیفی. دستوری که کارایی توصیفی دارد، علاوه بر تشخیص جمله‌های دستوری از غیردستوری، باید بتواند پیکره زبانی را منطبق با شَم زبانی اهل آن زبان توصیف کند و قواعد نهفته در پیکره را استخراج کند (همان‌جا).

کارایی تبیینی. کارایی تبیینی بالاترین سطح انتزاع است و در ارتباط با نظریه‌زبانی مطرح می‌شود. از میان دستورهایی که از کارایی مشاهده‌ای و توصیفی برخوردارند، آن دستوری برتر قرار می‌گیرد که با ملاک‌های نظریه‌زبانی همسو باشد. نظریه‌ای که توصیفی درباره دانش زبانی کودک و چگونگی فراگیری سریع زبان فراهم می‌کند، از کارایی تبیینی برخوردار است و دستوری که از چنین نظریه‌ای حاصل شود، کارایی تبیینی دارد (همان، ص ۱۸۶-۱۸۷).

4. observational adequacy
6. explanatory adequacy

5. descriptive adequacy

۴. ارزیابی دستورها: معیارهای زبان‌شناختی

در این بخش به سه دسته دستور خواهیم پرداخت: نخست، دستورهای غیرزبان‌شناختی (موسوم به سنتی)؛ دوم، دستورهای زبان‌شناختی که شامل دو دسته غیرنظریه‌بنیاد و نظریه‌بنیاد می‌شود. دستورهای سنتی و زبان‌شناختی تاکنون موضوع مطالعات بیشتری قرار گرفته‌اند، از این رو، در دو دسته اول، جمعاً بررسی چهار نمونه گزارش شده، و در آخرین دسته، مربوط به تحقیق حاضر (دستورهای نظریه‌بنیاد) سه نمونه بررسی شده است. معیارهای زبان‌شناختی‌ای که مختصات نهایی هر دستور سرانجام بر مبنای آنها سنجیده می‌شود، از این قرار است:

تعریف زبان و اجزاء آن

نگرش آن دستور به زبان چیست؟ زبان را چگونه تعریف می‌کند؟ زبان را شامل چه اجزایی می‌داند؟ آیا مفهوم نظام یا سطوح در آن مطرح است؟

تعریف دستور

نگرشش به ماهیت دستور زبان و عناصر متشکله آن چیست؟ آیا انواعی را مد نظر دارد؟

فرض‌های دستور

آنچه که دستور زبان مفروض گرفته است چیست؟ اعم از رویکرد دستور، واحدها و عناصر اصلی و ساختمانی دستور، شواهد و داده‌های معتبر دستوری، رویکرد هم‌زمانی و درزمانی، بخش‌های دستور، قواعد و اصول دستور.

غایات دستور

هدف از تدوین دستور زبان چیست؟ اعم از هدفی تجویزی، توصیفی، تبیینی، آموزشی، کاربردی، تحلیلی.

روش‌شناسی دستور

آیا دستور از ابزار ویژه‌ای برای نمایش توصیف‌های دستوری، مانند نمودارها، نمودار درختی، طرح‌واره‌ها، قلاب‌ها و مانند آن بهره می‌گیرد؟ منبع داده‌های دستور کدام است؟ آیا از پیکره‌های زبانی استفاده می‌کند؟

توصیف‌گرایی دستور

آیا دستور گرایش به توصیف دارد؟ آیا گرایش به توصیف هم‌زمانی دارد؟ آیا بر مطالعه یک زبان خاص تمرکز دارد؟ آیا داده‌های پیکره‌ای برای دستور اهمیت دارد؟

سطوح کارایی دستور

دستور چه سطحی از کارایی را احراز می‌کند؟ اعم از کارایی مشاهده‌ای، کارایی توصیفی، کارایی تبیینی.

تبیین‌های دستور

آیا دستور تبیین را مدّ نظر دارد و تبیین‌گر است؟ دستور به دنبال چه نوع تبیینی برای واقعیات دستوری زبان است؟ اعم از تبیین بیرونی یا درونی.

نظریه عمومی زبان‌شناختی دستور

آیا دستور در قالب نظریه عمومی زبان‌شناسی و زبان‌شناسی نظری به مفهوم عام آن تدوین شده است؟ آیا چارچوب نظری دستور از آن اخذ شده است؟ آیا از اصول و قواعد و اصطلاحگان جافتاده و عمومی‌شده زبان‌شناسی برای تحلیل بهره می‌گیرد؟

نظریه خاص زبان‌شناختی دستور

آیا دستور در قالب یک رویکرد زبان‌شناختی تدوین شده است؟ آیا دستور مشخصاً بر بنیاد یک نظریه دستور در آن رویکرد تدوین شده است؟ آیا به‌تمامی از اصول و قواعد و اصطلاحگان آن نظریه برای تحلیل بهره می‌گیرد؟

همسویی یا ناهمسویی دستورها را با معیارهای فوق، با ذکر نقل مستقیمی از متن آن دستور یا تحلیلی از سوی این نگارنده آشکار ساخته‌ایم. کتاب‌های دستور نظریه‌بنیاد با توجه به رویکردهای نظری متفاوتشان انتخاب شده‌اند. مابقی دستورها براساس شأن تاریخی و آموزشی‌شان برگزیده شده‌اند. هر سه دستور نظریه‌بنیاد بسیار جدیدند و در دهه ۹۰ شمسی منتشر شده‌اند.

۴-۱. دستورهای غیرزبان‌شناختی

دستورهای به اصطلاح سنتی یا تجویزی ذیل این طبقه جای می‌گیرند. باطنی عمده‌ترین ویژگی‌ها، یا به گفته او معایب دستورهای سنتی، را این‌گونه برمی‌شمرد:

آمیختن صورت و معنی، درست و غلط در زبان، ابدیت دستور، گرفتن نوشتار به جای گفتار، تحمیل مقولات خارجی به زبان، آمیختن دستور تاریخی با دستور هم‌زمانی، اجزاء کلام، داشتن نظریه زبانی (باطنی، ص ۲۹-۷۴).

در ادامه، فقراتی از دو دستور غیرزبان‌شناختی را شامل دستور زبان فارسی پنج استاد (۱۳۲۸) و دستور زبان فارسی خیام‌پور (۱۳۳۳) با معیارهای پیش‌گفته بررسی می‌کنیم. داخل کمان، تاریخ نخستین انتشار و در دسترس قرار گرفتن هر دستور از قدیم به جدید ذکر شده است. تاریخ نشر دستور پنج استاد مقارن است با حدوداً نیمه سده بیستم میلادی (۱۹۴۹)، هنگامی که مدت‌ها از انتشار کتاب دوران‌ساز دوره زبان‌شناسی عمومی (۱۹۱۶) و گسترش آراء سوسور و پدیدانی ساخت‌گرایی در جهان می‌گذرد، و در آمریکا ساخت‌گرایی آمریکایی دوره شکوفایی‌اش را در نیمه

اول قرن پشت سر گذاشته و هم‌زمان نخستین طلیعه‌های دستور زایشی را می‌توان مشاهده کرد. به تعبیری، چند تحول بنیادی در مطالعه علمی زبان صورت پذیرفته است: پیدایش علم نوین زبان‌شناسی، ایجاد ساخت‌گرایی، آغاز شکل‌گیری دستور زایشی و طرح نظریه زبانی. چندگاهی پس از این تحولات است که در ایران، در سال ۱۳۴۲ (۱۹۶۴م)، نخستین گروه زبان‌شناسی همگانی در دانشگاه تهران بنا نهاده می‌شود.

شایان ذکر است دستورهایی مانند دستور سخن (۱۲۸۹ق)، اثر میرزا حبیب اصفهانی، که صاحب‌نظران از آن به‌عنوان نقطه عطفی در سنت دستورنویسی فارسی یاد کرده‌اند (سامعی، ص ۱۸۰، همایی، ص ۱۳۰، صادقی، ص ۱۸۵)، به دلیل آنکه زمانی پیش از تکوین زبان‌شناسی جدید نگاشته شده و بیش از ۱۵۰ سال از نگارش آن می‌گذرد، در دامنه بررسی دستورهای سده اخیر قرار نمی‌گرفت و در این پژوهش کنار گذاشته شده است.

مقایسه ویژگی‌های این دو دستور در جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود.

جدول ۱- مختصات مستخرج از طبقه دستورهای غیرزبان‌شناختی

دستور معیارها	دستور زبان فارسی پنج استاد (قریب و همکاران، ۱۳۲۸)	دستور زبان فارسی خیام‌پور (خیام‌پور، ۱۳۳۳)
تعریف زبان و اجزای آن	● کلام و سخن آن چیزی است که با آن مقاصد بیان می‌شود. ● زبان متشکل از کلمات و کلمات متشکل از حروف‌اند. ● حرف نیز صوتی است که با تلفظ از دهان خارج می‌شود.	● منظور از زبان و فراگرفتن آن بیان مافی الضمیر و تفاهم با دیگران است. ● زبان بر سه قسم است: ذهنی، لفظی، کتبی. ● سخن کتبی نماینده سخن لفظی و سخن لفظی نماینده سخن ذهنی است. ● حرف که نخستین جزء سخن است، صوتی است متکی بر مخرجی از مخارج دهان.
تعریف دستور	قواعدی است که با آن درست گفتن و درست نوشتن را می‌آموزیم.	مجموعه قواعدی که بدان زبان درست سخن گفتن و درست نوشتن آموخته می‌شود.
فرض‌های دستور	● نقش زبان ایجاد ارتباط است. ● واژه محور اصلی زبان است. ● نظام نوشتاری از نظام آوایی متمایز نیست.	دستور معمولاً شامل سه مبحث است: مبحث اصوات، مبحث صرف و مبحث نحو.

	● داده‌ها و شواهد زبان کلاسیک و شعری بر زبان روزمره و گفتاری برتری دارد. ● دستور دارای قواعدی است از نوع دستورالعمل. ● این قواعد را باید آموزش داد. ● تمایزی میان بُعد هم‌زمانی و بُعد در زمانی وجود ندارد.	
غایات دستور	آموختن شیوه درست سخن گفتن و نوشتن	● به‌کارگیری صحیح زبان در گفتار و نوشتار ● حفظ یک زبان (زبانی که دستوری با قواعد مدوّن و منظم دارد ماندگارتر و مقاوم‌تر است).
روش‌شناسی دستور	● تعریف یک قاعده یا یک مقوله، شرح نمونه‌ها، ذکر مثال‌ها، ذکر استثنای احتمالی، تبصره و تمرین ● به‌کارگیری محدود جداول صرفی و فقدان هرگونه ابزار صوری‌سازی برای نمایش ساختمان زبان ● استفاده از پرسش‌ها و تمرین‌ها بعد از طرح یک موضوع درسی ● استفاده از شعر و متون ادبی و کلاسیک به‌عنوان داده زبانی	● کاربرد داده‌های زبان کلاسیک ● پرداختن به اجزای شش‌گانه کلام، مانند اسم، صفت، فعل، قید، شبه‌جمله و حرف و تعریف و تعیین اقسام، حالات و ویژگی‌های آنها و ذکر مثال برای هر یک
توصیف‌گرایی دستور	● غیرتوصیفی ● غیرهم‌زمانی ● غیرفارسی‌محور ● براساس شواهد غیرپیکره‌ای	● نیمه‌توصیفی ● غیرهم‌زمانی ● غیرفارسی‌محور ● براساس شواهد غیرپیکره‌ای
سطوح کارایی دستور	● دارای کارایی مشاهده‌ای ● فاقد کارایی توصیفی ● فاقد کارایی تبیینی	● دارای کارایی مشاهده‌ای ● دارای کارایی توصیفی نسبی ● فاقد کارایی تبیینی
تبیین‌های دستور	ندارد.	ندارد.
نظریه زبان‌شناسی عمومی	ندارد.	ندارد.
نظریه‌بنیاد بودن دستور	ندارد.	ندارد.

۲-۴. دستورهای زبان‌شناختی

دستورهای زبان‌شناختی، اعم از غیرنظریه‌بنیاد و نظریه‌بنیاد، در این طبقه جای می‌گیرند. این طبقه را گاهی در تقابل با دستورهای سنتی قرار می‌دهند. ویژگی مشترک همه دستورهای این طبقه چارچوب نظری اولیه آنهاست که همگی بر مفاهیم زبان‌شناسی نوین قرار دارند. همه دستورهای مبتنی بر زبان‌شناسی، به‌رغم تفاوت‌های بنیادی، در مفروضات و ویژگی‌های مشترکی به شرح زیر سهیم‌اند:

زبان نظامی از روابط است؛ رابطه جانشینی و همنشینی، که اساس شناسایی و تقطیع عناصر زبان در هر سطح است؛ رویکرد هم‌زمانی و درزمانی، که دو شیوه توصیف هر زبان است (طباطبایی، ص ۲۶۲)؛ توصیفی بودن، که بر توصیف زبان آن‌طور که در عمل به کار می‌رود، تمرکز دارد (همان، ص ۲۶۳)؛ کاربردمحوری، که مبنای درست و غلط در دستور زبان‌شناختی را کاربرد اهل زبان تلقی می‌کند، هدف دستور زبان کشف قواعد زبان است و زبان‌شناسان عموماً از اصطلاحات دستوری و نادرستی به جای درست و غلط استفاده می‌کنند (همان‌جا)؛ تغییرپذیری، همه زبان‌ها در گذر زمان تغییر می‌کنند و دستورهای زبان‌شناختی این را اصلی خدشه‌ناپذیر می‌دانند. از همین رو، اگر دستوری برای فارسی امروز نگاشته می‌شود، با توجه به فارسی و مثال‌های زنده امروز باید تدوین گردد (همان، ص ۲۶۵)؛ تحلیل ساخت و نقش، دستورهای زبان‌شناختی، برخلاف دستورهای غیرزبان‌شناختی (سنتی)، وزن تحلیل را بر نقش و ساخت قرار می‌دهند تا معنی (همان‌جا)؛ جمله‌محوری، دستور زبان‌شناختی جمله‌محور است نه واژه‌محور (همان، ص ۲۶۶)؛ گروه، مطرح ساختن مفهوم گروه (همان‌جا).

۱-۲-۴. دستورهای غیرنظریه‌بنیاد

دو دستور در این بخش بررسی شده‌اند. هر دو تابع نظریه دستوری خاصی نیستند. از نخستین انتشار دستور لازار در سال ۱۹۵۷ میلادی تا تدوین دستور حق‌شناس در سال ۲۰۰۶ میلادی، قریب نیم‌قرن زمان می‌گذرد. می‌توان به‌صراحت گفت پیدایش و شکوفایی همه مکاتب مسلط زبان‌شناسی نظری امروز جهان، به بازه زمانی میان انتشار این دو دستور بازمی‌گردد. هم‌زمان در ایران، در سیر دستورنویسی فارسی، شاهد تحولات بزرگی هستیم. ظهور دستورهای زبان‌شناختی و نظریه‌بنیاد مربوط به این دوره است.

مجموع ویژگی‌های این دو دستور برای مقایسه در جدول شماره (۲) مشاهده می‌شود.

جدول ۲- مختصات مستخرج از طبقه دستورهای زبان‌شناختی غیرنظریه‌بنیاد

دستور معیارها	دستور زبان فارسی معاصر (لازار، ۱۳۸۴)	دستور زبان فارسی حق‌شناس (حق‌شناس و همکاران، ۱۳۸۵)
تعریف زبان و اجزای آن	- هیچ تعریفی برای زبان و کارکردهای آن ارائه نشده است. - سطوح زبان (نظام آوایی و خط، صرف، نحو و روند شکل‌گیری واژه‌ها) در بخش‌بندی کتاب مد نظر بوده‌اند. - هیچ تعریفی از این سطوح ارائه نشده است.	زبان نظامی ساخته‌شده از نشانه‌ها است.
تعریف دستور	ندارد.	- مجموعه اصول، مفهومی‌ها، تعریف‌ها و قاعده‌هایی که اهل هر زبان، آن را در کودکی، به‌طور ناخودآگاه، فرامی‌گیرند و از آنها برای فهمیدن سخن دیگران استفاده می‌کنند. - بر تمایز دو نوع دستور، دستور زبان خودآموخته و دستور زبان آموزشی تأکید می‌شود.
فرض‌های دستور	- زبان و به‌تبع آن دستور متشکل از سطوح آوایی، صرفی، نحوی، واژگانی و معنایی است. - دستور برابر است با توصیف. - دستور عبارت است از مجموعه‌ای از قواعد توصیفی به همراه نمونه‌ها و پاره‌ای نکات استثنا بر قاعده.	- یکی از ویژگی‌های برجسته زبان، داشتن نظام است که خود از نظام‌های دیگر ساخته شده است. - نظام کلی زبان از چهار نظام تشکیل شده است: نظام آوایی، نظام صرفی، نظام نحوی، نظام معنایی. - هریک از نظام‌های آوایی، صرفی، نحوی و معنایی اجزای سازنده خود را دارند و قاعده ترکیب اجزای آنها همانند نیست. - قاعده بیانگر رابطه‌ای تکرارپذیر است که بین دو یا چند واحد زبانی برقرار می‌شود تا واحد نظام‌مند

بزرگ‌تری ساخته شود. ● دستور، واحدها و انواعشان، ساخت‌ها، نقش‌ها و قواعد را بسته به موضوع هر سطح توصیف می‌کند.		
آموختن زبان رسمی نوشتاری برای به‌کارگیری زبان در امور چون ثبت قراردادها، اطلاع‌رسانی، حفظ و انتقال تاریخ، فرهنگ و دستاوردهای فلسفی، علمی و ادبی هر جامعه	● تشریح نظام دستوری فارسی معاصر، آن‌گونه که در نوشتار و گفتار هست، بر پایه کاربرد آن در تهران ● تدوین دستور زبان گفتاری معاصر ● ارائه دستوری آموزشی و دستوری زبان‌شناختی برای فارسی	غایات دستور
● منبع داده‌ها، زبان فارسی معیار معاصر است، گویشی که بین گویندگان همه گویش‌های یک جامعه زبانی مشترک و معتبر باشد. ● از آنجاکه تدوین دستوری آموزشی مد نظر بوده، برای دانشجویان و مدرسان در آغاز هر بخش مواردی مانند تعریف هدف کلی و هدف‌های جزئی درس، ذکر فعالیت‌های تکمیلی و روش‌های مناسب تدریس، الگوهای ارزشیابی و جز آن در نظر گرفته شده است.	● منبع داده‌ها، فارسی معاصر نوشتاری و گفتاری، بر پایه کاربرد آن در تهران است. ● دستور در مجموعاً ۲۶۳ بند ارائه شده است، و هر بند یک قاعده برای مقولات ارائه می‌کند. ● نکات مهم دستوری در قاب‌های یادآوری آورده، و برای هر توصیف دستوری مثال‌هایی ارائه می‌شود. ● تأکید بر کاربرد و زبان گفتاری است.	روش‌شناسی دستور
● توصیفی ● هم‌زمانی ● فارسی‌محور ● براساس شواهد پیکره‌ای	● توصیفی ● هم‌زمانی ● فارسی‌محور ● براساس شواهد پیکره‌ای	توصیف‌گرایی دستور
● دارای کارایی مشاهده‌ای ● دارای کارایی توصیفی ● فاقد کارایی تبیینی	● دارای کارایی مشاهده‌ای ● دارای کارایی توصیفی ● فاقد کارایی تبیینی	سطوح کارایی دستور
ندارد.	ندارد.	تبیین‌های دستور
دارد.	به‌طور نسبی دارد.	نظریه زبان‌شناسی عمومی
ندارد.	ندارد.	نظریه‌بنیاد بودن دستور

۲-۲-۴. دستورهای نظریه‌بنیاد

دبیرمقدم دو وجه اشتراک مرتبط برای همه مطالعات زبان‌شناختی در دهه اخیر (از ۲۰۱۰ میلادی تا کنون) مطرح می‌کند که شایسته توجه است:

(۱) **نظریه‌بنیاد بودن.** یعنی «تمامی مطالعات جدی و روشمند زبان‌شناسی امروز نظریه‌بنیاد هستند و طبعاً هر نظریه هم خاستگاه فلسفی و در نتیجه، روش‌شناختی و تبیینی ویژه خود را دارد» (دبیرمقدم، ص بیست و چهار).
(۲) **همگانی‌های زبان.** «همه نظریه‌های زبان‌شناختی امروز درصدد دستیابی به همگانی‌های زبان هستند» (همان‌جا).

براساس وجه نظری، چهار رویکرد عمده و رایج در پژوهش‌های زبان‌شناختی معاصر مطرح می‌شوند که عبارت‌اند از:

(۱) **زبان‌شناسی صورت‌گرا** که زبان را نظامی ساخت‌وابسته و ریاضی‌گونه در نظر می‌گیرد؛^۷
(۲) **زبان‌شناسی شناختی** که زبان را نظامی شناخت‌وابسته و همسو با سایر قوای شناختی ذهن در نظر می‌گیرد؛

(۳) **زبان‌شناسی نقش‌گرا** که زبان را نظامی ارتباطی در نظر می‌گیرد؛

(۴) **رده‌شناسی زبان** که زبان را نظامی تجربه‌بنیان و متنوع در نظر می‌گیرد و گوناگونی‌های ساختی قاعده‌مند را در زبان‌ها مقایسه و توصیف می‌کند (همان، ص ۲-۱).

بسیاری از زبان‌شناسان نقش‌گرای کنونی به دلیل ماهیت مطالعاتشان و با پیروی از گرین‌برگ،^۸ به رده‌شناسی گرایش دارند. از این‌رو، نگرش‌های نقش‌گرا و رده‌شناسی زبان (شماره‌های (۳) و (۴)) گاه ذیل عنوان یکسان رویکرد «نقشی‌رده‌شناختی» قرار می‌گیرند (راسخ‌مهند، ص ۲۳).

همگرایی مطالعات زبان‌شناختی، بدون تردید، بر تدوین دستور زبان نیز تأثیرگذار بوده است. کمابیش از میانه سده میلادی گذشته ما با ظهور نظریه‌های دستور گوناگونی روبه‌رو هستیم که گاه به تدوین دستوری بر پایه این یا آن نظریه خاص انجامیده است. خواهیم دید که این نوع دستورها (نظریه‌بنیاد)، اساساً با نمونه‌های پیشین خود، نه فقط دستورهای غیرزبان‌شناختی (موسوم به سنتی)، بلکه حتی با دستورهای زبان‌شناختی غیرنظریه‌بنیاد (با به‌طور ساده زبان‌شناختی) تفاوت ماهوی جدی دارند. براساس رویکردهایی که برشمردیم، نظریه‌های دستور نیز به سه گروه کلان تقسیم می‌شوند:

(۱) **نظریه‌های شناختی دستور.** مثل دستور شناختی لانگاکر،^۹ دستوری‌شدگی هاینه؛^{۱۰}

۷. مؤلف اشاره می‌کند «زبان‌شناسی صورت‌گرای غالباً زایشی» (دبیرمقدم، ص بیست و چهار)، به این معنی که وجود نحله‌های دیگر صورت‌گرایی منتفی نیست، نظیر آنچه که ما متعاقباً اشاره خواهیم کرد.

8. Greenberg

9. Langacker

10. Heine

(۲) نظریه‌های زایشی دستور. دستور گشتاری چامسکی، دستور ساختاری کی و فیلمور؛^{۱۱}

(۳) نظریه‌های نقشی - رده‌شناختی دستور. مثل گرین برگ، کامری^{۱۲} (Evans & Green, p. 743).

دستورهایی که بررسی شده‌اند، دستورهای متأخری هستند که در دهه ۹۰ شمسی (تقریباً از ۲۰۱۰ به این سو) به طبع رسیده‌اند.^{۱۳} سه نمونه که هریک نماینده یک رویکرد نظری در دستورنویسی نظریه‌بنیاد زبان فارسی هستند. (۱) دستور زبان فارسی: براساس نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی (طیب‌زاده، ۱۳۹۱). این دستور دستوری صورت‌گراست و در میان سه دستور نظریه‌بنیاد ما، این کتاب به شیوه‌ای فراگیر و کامل‌تر به جنبه‌های دستوری زبان فارسی پرداخته است؛ (۲) نحو زبان فارسی: نگاهی نقشی - رده‌شناختی (راسخ‌مهند، ۱۳۹۶). این کتاب یک دستور کامل زبان فارسی به معنی متعارف کلمه نیست و به این منظور نیز نگاشته نشده است. کتاب به زوایای گوناگون دستور فارسی پرداخته و در قالب یک نظریه مسلط و مستدل معاصر، در بازه زمانی مورد پژوهش ما عرضه شده، لذا گزینه مناسبی برای ارزیابی ماست؛ (۳) دستور شناختی: مبانی نظری و کاربری آن در زبان فارسی (بهرامی‌خورشید، ۱۳۹۸). این اثر را می‌شود نخستین تلاش منسجمی دانست که در چارچوب دستور شناختی برای تحلیل جنبه‌هایی از دستور زبان فارسی صورت گرفته است. کتاب، طبعاً یک دستور کامل نیست، هدف آن به‌کار بستن نظریه بر روی داده‌های زبان فارسی بوده است.

جدول ۳- مختصات مستخرج از طبقه دستورهای زبان‌شناختی نظریه‌بنیاد

دستور معیارها	دستور زبان فارسی: براساس نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی (طیب‌زاده، ۱۳۹۱)	نحو زبان فارسی: نگاهی نقشی - رده‌شناختی (راسخ‌مهند، ۱۳۹۶)	دستور شناختی: مبانی نظری و کاربری آن در زبان فارسی (بهرامی‌خورشید، ۱۳۹۸)
تعریف زبان و اجزای آن	● زبان نظامی یا سیستمی ایستا و مجزا از گذشته‌اش است. زبان مجموعه ساختمندی	● زبان ابزاری برای برقراری ارتباط میان انسان‌ها است و این ارتباط هم شامل بافت	● زبان به منزله دانشی ذهنی است. ● زبان حاصل فرایندهای شناختی در

۱۱. Kay & Fillmore؛ آنچه که ایوانز و گرین در طبقه‌بندی نادیده گرفته‌اند این است که نظریه‌های صورت‌گرا الزاماً فقط شامل نظریه‌های زایشی نمی‌شوند. نظریه دستور وابستگی لوسین تینییر (L. Tesnière) از آن جمله است. بنابراین، بهتر است عنوان «نظریه‌های زایشی» به «نظریه‌های صورت‌گرا» تغییر یابد.

12. Comrie

۱۳. دستور باطنی (۱۳۴۸) یکی از نقاط چرخش از دستورهای زبان‌شناختی محض به دستورهای نظری است. باطنی در عنوان این دستور تصریح کرده که «بر بنیاد یک نظریه عمومی زبان» به توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی پرداخته است.

	از واحدهایی است که از هرچه در بیرون از زبان قرار دارد، مانند بافت و محیط یا توانایی‌های شناختی و غیره، کاملاً مجزا است.	اجتماعی است و هم ذهنی. ویژگی‌های دستوری خود حاصل نقشی هستند که در کارکرد واقعی زبان، یعنی در ارتباط، بازی می‌کنند.	مغز است. ● دستیابی به این دانش درونی از طریق روال و رویه‌ای شناختی حاصل می‌شود. کاربرد زبان منجر به تشکیل دانش ذهنی می‌شود؛ دانشی که به‌نوبه خود مبنای کاربرد زبان قرار می‌گیرد.
تعریف دستور	دستور همان سطح نحوی است.	دانش یک فرد از زبان خود که شامل نحو، نقش‌های معنایی، کلامی و کاربردی صورت‌های نحوی است.	بازنمایی روان‌شناختی نظام زبانی بشر که با توجه به جایگاه آن در ذهن ماهیتی درونی دارد.
فرض‌های دستور	● نقش زبان ایجاد ارتباط است. ● ماهیت زبان صورت است. ● روابط بنیان نحو است. ● جمله بزرگ‌ترین واحد زبان است. ● فعل هسته جمله است. ● هر گروه نحوی، نهایتاً پنج عنصر دارد. ● توصیف روابط وابستگی این پنج عنصر برابر است با ساختمان هر گروه.	● زبان و دستور نظامی خودسامان و مستقل نیست. ● در توصیف دستور پارامترهای شناخت، ارتباط، مغز و پردازش زبان، تعامل اجتماعی و فرهنگ، تغییر و تنوعات فراگیری زبان نقش دارد. ● وجود تنوعات زبانی طبیعی است. ● تنوعات زبانی محدود به همگانی‌های زبانی است. ● زبان پویا است و با کاربرد شکل می‌گیرد.	● زبان و دستور نمادین است. ● ساخت زبان از کاربرد زبان پدید می‌آید.
غایات دستور	● تحلیل روابط وابستگی ● آموزش دستور	● استفاده از رویکرد نقشی - رده‌شناختی	● معرفی دستور شناختی

● فرهنگ‌نویسی ● پردازش رایانه‌ای زبان	● تبیین نحو زبان فارسی ● تبیین نقشی داده‌های زبان فارسی	● تحلیل شناختی ● داده‌های زبان فارسی	
● استفاده از پیکره زبانی و مثال‌های طبیعی ● شناسایی هسته و وابسته‌های گروه‌های دستوری ● نمایش پلکانی روابط وابستگی	● استفاده از پیکره زبانی و مثال‌های طبیعی ● استفاده از جدول، نمودار و آمار ● استفاده از مفهوم سلسله‌مراتب	● استفاده از مثال‌های روزمره و پرکاربرد ● نمایش عناصر نمادین ساخت‌های تحلیل‌شده دستوری ● به‌کارگیری شکل‌های طرح‌واره‌ای	روش‌شناسی دستور
● توصیفی ● هم‌زمانی ● فارسی‌محور ● براساس شواهد پیکره‌ای	● توصیفی ● هم‌زمانی - درزمانی ● فارسی‌محور ● براساس شواهد پیکره‌ای	● توصیفی ● هم‌زمانی - درزمانی ● فارسی‌محور ● براساس شواهد غیرپیکره‌ای	توصیف‌گرایی دستور
● دارای کارایی مشاهده‌ای ● دارای کارایی توصیفی ● فاقد کارایی تبیینی	● دارای کارایی مشاهده‌ای ● دارای کارایی توصیفی ● دارای کارایی تبیینی	● دارای کارایی مشاهده‌ای ● دارای کارایی توصیفی ● فاقد کارایی تبیینی	سطوح کارایی دستور
ندارد.	نقشی	تبیین نسبی	تبیین‌های دستور
دارد.	دارد.	دارد.	نظریه زبان‌شناسی عمومی
دستور وابستگی	رویکرد نقشی - رده‌شناختی	دستور شناختی	نظریه‌بنیاد بودن دستور

۵. نتیجه

بررسی هفت دستور زبان فارسی، با معیارهای زبان‌شناختی و طبقه‌بندی آنها، موضوع این مقاله بود. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد:

الف) دستورهای فارسی را می‌توان به سه گروه دستور غیرزبان‌شناختی، دستور زبان‌شناختی غیرنظریه‌بنیاد و دستور زبان‌شناختی نظریه‌بنیاد طبقه‌بندی کرد.

ب) ویژگی‌های مشترک گروه نخست عبارت‌اند از: غیاب نظام زبان، آرمان‌گرایی دستور، تجویزگرایی، گرایش‌های غیرتوصیفی، غیرهم‌زمانی و غیرفارسی‌محورانه، شواهد زبان کلاسیک و غیرپیکره‌ای، دارای کارایی مشاهده‌ای، فقدان تبیین و فقدان کامل نظریه زبان.

ج) ویژگی‌های مشترک گروه دوم عبارت‌اند از: حضور نظام زبان و نظام‌های وابسته آن،

گرایش‌های توصیفی، هم‌زمانی و فارسی‌محورانه، شواهد پیکره‌ای، برخورداری از دو سطح کارایی مشاهده‌ای و توصیفی، فقدان تبیین و متکی بر زبان‌شناسی عمومی.

د) عمده‌ترین تفاوت‌های گروه اول و دوم دستورها عبارت‌اند از: غیاب در برابر حضور نظام زبان، گرایش‌های غیرتوصیف‌گرایانه در مقایسه با گرایش‌های توصیف‌گرایانه، برخورداری از یک سطح کارایی در قیاس با دو سطح کارایی و فقدان مبانی زبان‌شناختی در برابر حضور آن در گروه دوم.

ه) ویژگی‌های مشترک گروه سوم عبارت‌اند از: توصیف‌گرایی کامل، پذیرش مبانی زبان‌شناسی عمومی، پذیرفتن کامل یک نظریه دستور به‌عنوان چارچوب نظری.

و) تفاوت عمده گروه سوم با گروه اول دستورها، علاوه بر پرداختن به دستوری توصیف‌گرایانه و تبیینی‌تر، محوریت یافتن نظریه‌های زبان و دستور است. به نظر می‌رسد این امر به نوبه خود، به شکل‌گیری گفتمان علمی و تخصصی دستور کمک کرده است.

ز) گاه‌شماری سیر تحولات مفاهیم و نوآوری‌های علم زبان‌شناسی در غرب و انطباق آن با مسیر پیدایش انواع دستور در زبان فارسی (نمودار شماره ۲)، این اندیشه را تأیید می‌کند که دگرگونی‌های زبان‌شناسی نظری با گذر مدت زمانی در حوزه تدوین دستور، آشکارا، تأثیر می‌گذارند.

نمودار ۲، سیر نسبی و تقریبی گرایش‌ها و مسیر تحولات را نمایش می‌دهد. ستون‌ها و خطوط نمایی بسیار کلی از مسیری را ترسیم می‌کنند که طی آن، جهت‌گیری به سمت دستورهای زبان‌شناختی و نظری، به تدریج، افزایش یافته است.

منابع

- اصفهان، میرزا حبیب، دستور سخن. سربی، استانبول ۱۲۸۹ق.
- باطنی، محمدرضا، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی: بر پایه یک نظریه عمومی زبان، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۴۸.
- ____، نگاهی تازه به دستور زبان، آگاه، تهران ۱۳۵۷.
- بهرامی‌خورشید، سحر، دستور شناختی: مبانی نظری و کاربردی آن در زبان فارسی، سمت، تهران ۱۳۹۸.
- حق‌شناس، علی محمد، حسین سامعی، مهدی سمائی و علاءالدین طباطبائی، دستور زبان فارسی (ویژه دوره‌های کاردانی و کارشناسی پیوسته و ناپیوسته آموزش زبان و ادبیات فارسی)، وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی، تهران ۱۳۸۵.
- خیام‌پور، عبدالرسول، دستور زبان فارسی، کتابفروشی تهران، تبریز ۱۳۴۷.
- دبیرمقدم، محمد، زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی، (ویراست سوم: با تجدید نظر اساسی)، سمت، تهران ۱۳۹۵.
- راسخ‌مهند، محمد، نحو زبان فارسی: نگاهی نقشی - رده‌شناختی، آگاه، تهران ۱۳۹۶.

- سامعی، حسین، «دستور زبان فارسی»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، جلد سوم، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۸۸.
- سورن، پیتر، مکاتب زبان‌شناسی نوین در غرب، ترجمه علی محمد حق‌شناس، سمت، تهران ۱۳۸۸.
- سوسور، فردینان، دوره زبان‌شناسی عمومی، ترجمه کورش صفوی، هرمس، تهران ۱۳۷۸.
- صادقی، علی‌اشرف، «دستور سخن»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، جلد سوم، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۸۸.
- طباطبایی، علاءالدین، فرهنگ توصیفی دستور زبان فارسی، فرهنگ معاصر، تهران ۱۳۹۵.
- طیب‌زاده، امید، دستور زبان فارسی: براساس نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی، نشر مرکز، تهران ۱۳۹۱.
- قریب، عبدالعظیم، جلال‌الدین همایی، غلامرضا رشید یاسمی، ملک‌الشعرا بهار و بدیع‌الزمان فروزانفر، دستور زبان فارسی (پنج استاد)، به اهتمام جهانگیر منصور، ناهید، تهران ۱۳۸۵.
- لازار، ژیلبر، دستور زبان فارسی معاصر، ترجمه مهستی بحرینی (توضیحات و حواشی: هرمز میلانیان)، هرمس، تهران ۱۳۸۴ [۱۹۵۷].
- همایی، جلال‌الدین، «دستور زبان فارسی»، مقدمه لغت‌نامه دهخدا، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۷۷، ص ۱۱۴-۱۴۸.

- Chomsky, N. *Aspects of the Theory of Syntax*, Cambridge, Mass.: MIT Press, 1965.
- Crystal, D. *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*, 6th ed, Blackwell Publishing Ltd, 2008.
- Evans & Melanie Green, *Cognitive Linguistics: An Introduction*, Edinburgh: Edinburgh University Press, 2006.
- Newmeyer, N. J. *Language Form and Language Function*, Harvard: MIT Press, 1998.
- Tesniere, L. *Elements de Syntaxe Structural*, Paris: Librairie C. Klincksieck, 1959.
- *Elements of Structural Syntax*, Translated by Timothy Osborne and Sylvain Kahan. Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins, 2015.



